

سالار مگس‌ها

ویلیام گلدینگ

مترجم

سوسن اردکانی

WWW.KETABAB.IR

ویلیام گلدینگ

سالار مگس ها



مترجم: سوسن اردکانی / ناشر: نوید ظهور / صفحه‌آرا: حسن خانی / نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷ / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۸۳-۶۹-۴ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / لیتوگرافی و چاپ: واصف / صحافی: واصف / قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان / مرکز پخش: میدان نبوت - کشاورز جنوبی کوچه ۱ - پلاک ۴۸



@simorqbook

تلفن: ۰۲۵۳۸۱۰۸ - ۰۹۳۸۳۵۱۲۱۰۷



@simorqbook



simorqbook@gmail.com

گلدینگ، ویلیام، ۱۹۱۱-۱۹۹۳ م. / سالار مگس ها / ویلیام گلدینگ

ترجمه سوسن اردکانی. / قم: نوید ظهور، ۱۳۹۷. / ۳۹۸ ص؛

978-600-6883-69-4 / Lord of the flies, 2014. / کتاب حاضر

در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است. / داستان

های انگلیسی - قرن ۲۰ م / English fiction -- 20th century /

اردکانی، سوسن (شاهین)، ۱۳۳۳ -، مترجم

۱۳۹۶ س ۲ / ۸۲ کی ۳ / PZ / ۸۲۳/۹۱۴ - ۴۶۴۱۰۲۰

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۱۹	(۱) صدای صدف.....
۷۱	(۲) آتش بر فراز کوه.....
۱۰۱	(۳) کلبه‌های ساحلی.....
۱۱۹	(۴) صورت‌های رنگ شده و موهای بلند.....
۱۵۳	(۵) جانوری از آب.....
۱۸۹	(۶) جانوری از هوا.....
۲۱۷	(۷) سایه‌ها و درختان بلند.....
۲۴۷	(۸) هدیه‌ای برای تاریکی.....
۲۸۷	(۹) چشم‌انداز یک مرگ.....

سالار مگس‌ها

۳۰۵ (۱۰) صدف و عینک

۳۳۳ (۱۱) قلعه سنگی

۳۶۱ (۱۲) فریاد شکارچیان

پیشگفتار

سر ویلیام جرالّد گلدینگ^۱ نویسنده، شاعر و نمایشنامه‌نویس انگلیسی در ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ میلادی در روستای دورافتاده‌ای نزدیک قبرستانی قدیمی در استان «کرن وال»^۲، سرزمین خوش آب و هوایی در جنوب غربی انگلستان که مناظر دریایی آن به زیبایی شهرت دارد، به دنیا آمد و در ۱۹ ژوئن ۱۹۹۳ درگذشت.

ویلیام گلدینگ در خانه مادر بزرگش متولد شد و بعدها بسیاری از تعطیلات خود را در آن جا گذراند. اما در «مارلبورو»^۳ در «ویلتشایر»^۴ بزرگ شد. پدرش «الک گلدینگ»^۵ در مدرسه «گرامر»^۶ «مارلبورو»

۱. Sir William Jerald Golding

۲. Cornwall

۳. Marlborough

۴. Wiltshire

۵. Alec Golding

۶. Grammar

درس علوم می‌داد و مادرش «میلدرد»^۱ خانه‌دار و هوادار مبارزان میانه‌رو حق رأی بانوان بود.

ویلیام و برادر بزرگش «جوزف»^۲ به همان مدرسه‌ای رفتند که پدرشان در آن تدریس می‌کرد. ویلیام از هفت سالگی آرزو داشت نویسنده شود. اما در ۱۹ سالگی به خواست پدرش وارد کالج «بریس نوز»^۳ دانشگاه «آکسفورد»^۴ شد تا در رشته علوم طبیعی تحصیل کند. اما پس از دو سال رشته تحصیلی‌اش را عوض کرد و ادبیات انگلیسی و فلسفه را برگزیده و در تابستان ۱۹۳۴ لیسانس خود را گرفت. همان سال نخستین کتابش «اشعار» در «لندن» چاپ شد. وی بعد از یک دوره کوتاه همکاری با گروه‌های کوچک نمایشی به عنوان بازیگر و نمایشنامه‌نویس، به تدریس در مدرسه «بیشاپ وُردزورث»^۵ در «سالیسبوری»^۶ مشغول شد و تا اوایل دهه ۱۹۶۰ به این کار ادامه داد.

۱. Mildred

۲. Joseph

۳. Brasenose

۴. Oxford

۵. Bishop Wordsworth

۶. Salisbury

ویلیام گلدینگ در ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۹ با «آن بروکفیلد»^۱ ازدواج کرد و ثمرهٔ این پیوند دو فرزند به نام‌های «جودی»^۲ و «دیوید»^۳ بود. با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم گلدینگ به نیروی دریایی کشورش پیوست و سال‌های جنگ را به استثنای هفت ماه اقامتش در «نیویورک» و شش ماه که به لرد «چرول»^۴ در پژوهشگاه نیروی دریایی کمک می‌کرد، در دریاها گذراند و با چهره واقعی جنگ روبه‌رو شد. گلدینگ در صحنهٔ بسیاری از عملیات جنگی بر ضد زیردریایی‌ها و ناوهای هواپیمابر و غرق قوی‌ترین رزمناو آلمانی‌ها به نام «بیسمارک»^۵ حضور داشت و در آن روز مهم در تاریخ نظامی انگلستان که سواحل «نورماندی»^۶ فرانسه موشک‌باران شد، افسر فرمانده بود و چندی بعد در یک عملیات دریایی در «وال چرن»^۷ شرکت کرد که در آن ۲۳ رزمناو از ۲۴ رزمناو مهاجم غرق شدند.

۱. Ann Brookfield

۲. Judy

۳. David

۴. Cherwell

۵. Bismarck

۶. Normandy

۷. Walcheren

سالار مگس‌ها

گلدینگ پس از پایان جنگ جهانی دوم به کار معلمی خود برگشت. اما رویدادهای جنگ که او را با منظره‌های تازه‌ای از زندگی آشنا کرده بود، بر ذهن پویایش اثر عمیقی گذاشته بود که از آن پس پیوسته اندیشه‌های او را سخت به خود مشغول می‌داشت. این تجربه‌های دلخراش و صحنه‌هایی که از رفتار انسان با هم‌نوعان خود دیده بود و شقاوت‌ها و بی‌رحمی‌هایی که از بشر جنگ‌جو شاهدشان بود، به تدریج افکار او را متوجه عادی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین موجودات کرد که نامی آشنا دارد: انسان!

انسان چیست؟ درون او چه می‌گذرد؟ چه می‌خواهد؟ چرا این‌گونه رفتار می‌کند؟ چرا بشر متمدن و با نزاکت، بشر دوست داشتنی و مهربان، بشر عاقل و باشعور ناگهان به وحشی درنده‌خویی تبدیل می‌شود که تازیانه خشمش بی‌رحمانه بر سر هم‌نوعانش فرود می‌آید؟ چه گونه است که انسان تغییر ماهیت می‌دهد؟

آیا انسان به راستی تغییر ماهیت می‌دهد؟

با این‌که پرده‌هایی که روی سرشت اصلی‌اش کشیده شده بود، به دست حوادث کنار می‌رود و سرشت واقعی او را نمایان می‌سازد؟

پس چه گونه است که همه انسان‌ها چنین نیستند؟

چرا حوادث مشابه، همه انسان‌ها را درنده‌خو نمی‌کند؟

بدینسان جنگ با رویدادهای تلخ و جانگزایش گلدینگ شاعر، معلم

و سرانجام افسر نیروی دریایی را به گلدینگ فیلسوف و نویسنده تبدیل می‌کند. فلسفه و روان‌شناسی انسان مشغولیت ذهنی او شد و نویسندگی راهی برای در میان گذاشتن افکارش و پرسش‌های بی‌شمارش با جهانیان.

برای گلدینگ مسأله، همان مسأله‌ساز است: انسان. او می‌کوشد لایه‌های درونی انسان را بشکافد و انگیزش‌ها و محرک‌های رفتارهای او را بشناسد و در این راه به همه عوامل اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی توجه نشان می‌دهد و با این حال، گویی برای عامل بنیان‌های ذاتی بشر بیش از سایر عوامل مجال تأثیر قائل است. چنان‌که خود در مقاله‌ای می‌نویسد: «از مطالعاتم روی بشر به این نتیجه رسیده‌ام که آن قدر شیطان در نهاد بشر نهفته که نمی‌توان وجود همه آن‌ها را با فشارها و مشکلات اجتماعی توجیه کرد.»

گلدینگ به وجود شیاطینی در ذات بشر معتقد است و بر این اندیشه است که هرگاه به این شیاطین مهلت داده شود، روح بشر را به بند خود می‌کشند و او را از مقام انسانی به درجات فروتر تنزل می‌دهند. سلاح بشر در تسلط بر این شیطان‌ها عقل و منطق و اخلاق و معنویات است و تنها از این راه است که می‌توان از سقوط روح در ورطه هولناک تباهی جلوگیری کرد.

گلدینگ در نخستین رمان خود سالار مگس‌ها همین اندیشه‌ها را با

سالار مگس‌ها

مخاطبان در میان گذاشت. وی در سپتامبر ۱۹۵۳ نسخه دستنویس این رمان را برای انتشارات «فابر و فابر»^۱ به «لندن» فرستاد، که ابتدا کسی آن را خواند و رد کرد. اما بعد ویراستار دیگری که تازه به آن مؤسسه آمده بود، به مطالعه آن پرداخت و از آن دفاع کرد و از نویسنده خواست که اصلاحاتی در آن انجام دهد.

این رمان که قبلاً ۲۱ مؤسسه انتشاراتی دیگر آن را رد کرده بودند، در سپتامبر ۱۹۵۴ منتشر شد و از همان آغاز به عنوان رمانی تکان‌دهنده نظرها را جلب کرد و با تجدید چاپ‌های پی‌درپی به موفقیت شگفت‌انگیزی دست یافت. «ا.م. فورستر»^۲ سالار مگس‌ها را «رمان برجسته سال» نامید و «تایم»^۳ و «تاید»^۴ آن را «نه تنها یک قصه ماجراجویانه عالی بلکه تمثیلی از روزگار ما» دانستند.

رمان بعدی گلدینگ به نام وارثان (۱۹۵۵) نگاهی به ایام ماقبل تاریخ دارد، با ارائه این نظر که پیروزی اجداد تکاملی نوع بشر (مردم تازه) موسوم به «هومو ساپینز ساپینز»^۵ بر یک نژاد آرام‌تر موسوم به

۱. Faber & Faber

۲. E. M. Forster

۳. Time

۴. Tide

۵. Homo Sapiens Sapiens

سالار مگس‌ها

«نئاندرتال»^۱ به همان اندازه که به عامل برتری طبیعی اتکا داشته، مدیون خشونت و فریبکاری هم بوده.

سپس گلدینگ در رمان پینچر مارتین (۱۹۵۶) به آخرین لحظه‌های زندگی دریانوردی می‌پردازد که در پی حمله به کشتی‌اش به اقیانوس پرت می‌شود.

در این میان درآمد روزافزون گلدینگ به خاطر تجدید چاپ پی‌درپی سالار مگس‌ها به او این امکان را داد که از سن ۵۰ سالگی کار تدریس را به کلی کنار بگذارد و خود را وقف نویسندگی کند. گلدینگ سال تحصیلی ۱۹۶۱ را به عنوان نویسنده مقیم در «هالینز کالج»^۲ در «ویرجینیا»^۳ آمریکا گذراند.

در سال ۱۹۶۳ فیلمی با اقتباس از سالار مگس‌ها توسط «پیتربروک»^۴ ساخته شد.

از گلدینگ در سال ۱۹۶۴ رمان برج کلیسا منتشر شد که به دغدغه‌های کشیش یک کلیسای جامع قرون وسطایی (که حدس زده می‌شود کلیسای جامع «سالیسبوری» باشد) می‌پردازد. فکر ساختن برج

۱. Neanderthal

۲. Hollins College

۳. Virginia

۴. Peter Brook

سالار مگس‌ها

در حال فروپاشی کلیسا دست از سر کشیش برنمی‌دارد. گفته شده کلیسای جامع و برج آن در این رمان نماد قدرتمندی از هم والاترین الهام‌های معنوی کشیش و هم تمایلات دنیوی او می‌باشند.

رمان دیگر گلدینگ به نام هرم شامل سه قصه جداگانه با این وجه مشترک است که یک راوی دارند و رویدادهایشان در مکانی واحد (شهر کوچکی در انگلستان) در دهه ۱۹۲۰ می‌گذرد. گلدینگ در سال ۱۹۷۰ نامزد ریاست دانشگاه «کنت»^۱ در «کانتربوری»^۲ شد. اما به «جوگریمانده»^۳ سیاستمدار و رهبر حزب «لیبرال» باخت.

در سال ۱۹۷۱ رمان رب‌النوع عقرب از گلدینگ انتشار یافت که شامل سه رمان کوتاه است: یکی به نام کلانک کلانک در مورد یک گروه ماقبل تاریخ که شکارچیان آفریقایی را جمع می‌کند. دومی به نام رب‌النوع عقرب که رویدادهای آن در درباری در مصر باستان می‌گذرد و سومی به نام پیک فوق‌العاده که به دربار یک امپراتور روم می‌پردازد. این رمان سومی در واقع بازنویسی نمایشنامه پروانه برنجی است، که گلدینگ در سال ۱۹۵۸ نوشته بود.

۱. Kent

۲. Canterbury

۳. Joe Grimond

از گلدینگ در سال ۱۹۷۹ رمان تاریکی قابل مشاهده منتشر شد: سرگذشت پسر بچه‌ای که در طی حمله‌های دشمن به «لندن» در زمان جنگ جهانی دوم به شدت آسیب می‌بیند. در همان سال جایزه یادبود «جیمز تیت بلاک»^۱ به گلدینگ تعلق یافت. یک سال بعد رمان تشریفات عبور از او انتشار یافت که برندهٔ جایزهٔ «بوکر مک کانل»^۲ شد که معتبرترین جایزه ادبی در انگلستان به شمار می‌رود. تشریفات عبور الهام‌بخش نویسنده در نوشتن دو رمان دیگر شد، یکی از نزدیک (۱۹۷۸) و دیگری آتش در اعماق. رویدادهای هر سه این رمان‌ها در کشتی و در زمان جنگ‌های «ناپلئون»^۳ می‌گذرد.

در سال ۱۹۸۳ جایزهٔ ادبی «نوبل» به ویلیام گلدینگ اهدا شد، به خاطر: «فصاحت در هنر قصه‌گویی واقع‌گرایانه و تنوع و جهان‌روایی اسطوره در بیان حال و روز بشر در دنیای امروز».

در سال ۱۹۸۸ ملکه «الیزابت دوم»^۴ به گلدینگ لقب سِر داد.

در سال ۱۹۹۰ فیلم دیگری از روی سالار مگس‌ها ساخته شد.

۱. James Tat Black

۲. Booker Mc Connell

۳. Napoleon (۱۷۶۹-۱۸۲۱ م) امپراتور فرانسه

۴. Elizabeth II (متولد: ۱۹۲۶ م) ملکه انگلستان

سالار مگس‌ها

سر ویلیام گلدینگ عاقبت در ۱۹ ژوئن ۱۹۹۳ در خانه خود در «پرانارورتال»^۱ در «کرن وال» درگذشت. جسدش را در حیاط کلیسای «باورچاک»^۲ در «ویلتشایر جنوبی» به خاک سپردند.

از او دست‌نوشتهٔ رمانی به نام زبان دوگانه بر جای ماند که رویدادهای آن در معبد باستانی «دلفی»^۳ می‌گذرد و تمرکز داستان بر انحطاط فرهنگ یونانی و ظهور تمدن روم است. این رمان در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. در همان سال نمایشنامه‌ای با اقتباس از سالار مگس‌ها تهیه شد.

رمان‌های گلدینگ اغلب تمثیلی است و به ادبیات کلاسیک، اسطوره‌ها و نمادشناسی مسیحی اشاره‌های زیادی دارد. گفته‌اند که هیچ وجه مشترکی در رمان‌های او وجود ندارد (به جز بدبینی عمیقش به بشر) و موضوع و تکنیک کار او در هر رمان متفاوت است. در هر حال، وقایع اغلب رمان‌های او در محیط‌های بسته می‌گذرد، مثل: جزیره، دهکده، کلیسای جامع، گروه‌های شکارچی، کشتی بر روی دریا و یا دربار یک فرعون.

۱. Perranarworthal

۲. Bowerchalke

۳. Delphi

سالار مگس‌ها

سالار مگس‌ها سرگذشت گروهی پسر بچه مدرسه‌ای است که در پی یک سانحه هوایی در جزیره متروکی در اقیانوس آرام بی‌سرپرست رها می‌شوند. پسران ۶ تا ۱۲ ساله و در سنینی هستند که از زندگی اجتماعی تصاویر روشن و دقیقی در ذهن ندارند و شخصیت‌شان چنان ساخته و پرداخته نشده که اگر از نظام اجتماعی و مدنی خود دور بیفتند و سرپرستی بالای سرشان نباشد، بتوانند زندگی معقولی در پیش گیرند. بچه‌ها خیلی زود به زندگی بدوی برمی‌گردند.

تنها مشغله مهمشان رفع نیازهای ابتدایی جسمانی می‌شود و غریزه‌های خام در وجودشان مجال بروز و سلطه‌جویی می‌یابند. بین این غریزه‌ها با منطق و اصول اخلاقی که در بعضی از ذهن‌ها هنوز سوسو می‌زند، کشمکش‌هایی پدید می‌آید و این کشمکش‌ها که بالا می‌گیرد، فاجعه‌ها یک‌به‌یک رنگ می‌گیرند و در مقابل، معصومیت، پاکی، صداقت و عطوفت به تدریج رنگ می‌بازند، تا جایی که به نیستی می‌گرایند. در اظهار نظر مطبوعات در مورد آن آمده:

«گلدینگ با روحيات پسر بچه‌ها كاملاً آشناست. او نیروی تخیل پهن‌آور و حس واقع‌بینی پویایی دارد. در قلمرو داستانی پرکشش این دو قوه خود را با مهارت به کار گرفته تا نشان دهد که یک تمدن متزلزل و ناآموخته، چگونه در برابر غرایز خام بشر رو به زوال می‌گذارد. سالار مگس‌ها بی‌تردید از گیراترین و عبرت‌آموزترین رمان‌های دنیاست.»

سالار مگس‌ها

«تایمز»

«سالار مگس‌ها اثری زیبا، تکان‌دهنده و به تمام معنی متفاوت است.»

«ابزرور»

همچنین گفته شده که این رمان صحنه مبارزه‌ای ناموفق با وحشیگری و جنگ است و به این ترتیب تضادها و آسیب‌پذیری تمدن را نشان می‌دهد. و نیز سالار مگس‌ها را تمثیلی از جنگ جهانی دوم دانسته‌اند.

آثار گلدینگ به ترتیب تاریخ انتشار عبارتند از:

اشعار (۱۹۳۴) دروازه‌های داغ (۱۹۶۵)

سالار مگس‌ها (۱۹۵۴) هرم (۱۹۶۷)

وارثان (۱۹۵۵) رب النوع عقرب (۱۹۷۱)

پینچر مارتین (۱۹۵۶) تاریکی قابل مشاهده (۱۹۷۹)

پروانه برنجی (۱۹۵۸) تشریفات عبور (۱۹۸۰)

سقوط آزاد (۱۹۵۹) یک هدف متحرک (۱۹۸۲)

برج کلیسا (۱۹۶۴) مردان کاغذی (۱۹۸۴)

دفترچه خاطرات یک مصری (۱۹۸۵) از نزدیک (۱۹۸۷)

آتش در اعماق (۱۹۸۹) زبان دوگانه (۱۹۹۵)

سوسن اردکانی

پاییز ۱۳۹۵